

Analyzing Types of Damage (Belief Damage) in the Zerar Mosque Case in 106. Towbeh

Abbas Taghvaei  *

Assistant Profesor of Islamic Education, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran

Hasan Rezazadeh Moghadam 

Assistant Profesor of Islamic Education, Faryman branch, Islamic Azad University, Faryman, Iran.

Abstract


Nowadays, the special place of "rules of jurisprudence" in jurisprudence and legal issues is not denied by anyone. In the meantime, "the principle of no-harm", because of its laws and because of the breadth and scope of its references and the tremendous importance and influence that it has, has been much taken into consideration by scholars of jurisprudence. In expressing this importance of the rule of jurisprudence, more are cited in a historical event of the narration of the Prophet Mohammed (peace be upon him) in the subject of Samaria bin Jandb, and in addition, in it, most of the defects in being, property, or honor have been raised. In this article, using descriptive and inferential statistics, we aim to show that by examining the verses related to the Mosque of Zarrar, it will be clear that first of all the verses along with other narrations, can be a very important documentary for "the principle of non-harm". And secondly, the spiritual loss, and especially the loss of faith that is addressed in these verses, can also be the subject of the "non-harm principle".

Keywords: Jurisprudence Rules, Damage, Financial Damage, Spiritual and belief Damage.


* Corresponding Author: taghvaei.abbas@yahoo.com

How to Cite: Taghvaei, A., Rezazadeh Moghadam, H. (2021). Analyzing Types of Damage (Belief Damage) in the Zerar Mosque Case in 106. Towbeh, *Journal of Seraje Monir*, 12(42), 205-231.

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در مسجد ضرار در آیه ۱۰۶ سوره توبه

عباس تقوائی  *

استادیار معارف اسلامی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران

حسن رضازاده مقدم 

استادیار معارف اسلامی، واحد فریمان، دانشگاه آزاد اسلامی، فریمان، ایران

چکیده

امروزه جایگاه ویژه «قواعد فقه» در مباحث فقهی و حقوقی بر کسی پوشیده نیست و در این میان «قاعده لاضرر» به واسطه وسعت و دامنه موارد استناد به آن و اهمیت و تأثیر فوق العاده‌ای که دارد، بسیار مورد توجه محققان حوزه فقه و اصول و حقوق قرار گرفته است. در بیان این قاعده مهم فقهی بیشتر به یک واقعه تاریخی یعنی روایت رسول اکرم (ص) در موضوع سمره بن جندب استناد شده و ضمن آن نیز بیشتر «نقص درجان، مال و یا آبرو» مطرح گردیده است. در این مقاله با استفاده از روش تحلیلی - توصیفی مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای درصدد نشان دادن این مسئله هستیم که با بررسی «آیات مربوط به مسجد ضرار» روشن می‌شود که اولاً؛ آیات مربوط به مسجد ضرار در کنار سایر روایات می‌توانند مستند بسیار مهمی برای قاعده لاضرر محسوب شوند و ثانیاً؛ ضرر معنوی و علی‌الخصوص ضرر اعتقادی (به‌عنوان مهم‌ترین ضرر معنوی) که در این آیات مورد توجه می‌باشد نیز می‌بایست موضوع قاعده لاضرر قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: قواعد فقه، ضرر، لاضرر، ضرر مادی، ضرر معنوی، ضرر اعتقادی.

مقدمه

قاعده لاضرر یکی از مشهورترین و شاید پرکاربردترین قواعد فقهی است که هم در فقه شیعه و هم در فقه سنی بدان توجه ویژه‌ای شده است به گونه‌ای که علاوه بر بررسی این قاعده در منابع فقهی و قواعد فقه و اصول فقه در خصوص این قاعده در طول تاریخ فقه، کتب مستقلی نیز توسط دانشمندان علوم اسلامی به رشته تحریر درآمده است. دلیلی که نگارندگان را بر آن داشت که به جمع‌آوری این مختصر پردازد این است که:

۱- «چرا فقهای مسلمان اعم از شیعه و سنی، در بحث قاعده لاضرر و به خصوص در بررسی مدارک قاعده بیشتر به واقعه سمره بن جندب پرداخته و تمرکز بیشتری بر این واقعه داشته‌اند؟» حتی با آنکه ماجرای سمره از جهات مختلفی «مورد ایراد و اشکال واقع شده»، ولی باز آن را از اهم قضایایی دانسته‌اند که «متضمن لاضرر» است (سیستانی، ۱۳۸۹ ش: ۱۸۷). البته در خصوص این قاعده به احادیثی نظیر حدیث شفعه، حدیث منع ماء، حدیث خراب کردن دیوار و دیگر احادیث (سیستانی، ۱۳۸۹ ش: ۷۹-۴۲) و حتی اجماع البته مستند به همان ماجرای سمره (بجنوردی، ۱۳۷۲ ش: ۵۴) استناد شده، ولی به واقعه مسجد ضرار و آیه کریمه مربوطه اشاره‌ای نشده است. این در حالی است که در اثبات قاعده لاضرر آیات و روایات متعددی من جمله همین موضوع مسجد ضرار وجود دارد که جای بحث‌های محققانه از آن‌ها خالی است؛

۲- نکته دیگر این که «چرا در بحث قاعده لاضرر به موضوع ضرر معنوی و اعتقادی کمتر پرداخته شده و اصولاً به ضرر اعتقادی اشاره‌ای نشده» و مراد نقص در جان، مال و یا نهایتاً آبرو دانسته شده (بجنوردی، ۱۳۷۲ ش: ۵۵)، در حالی که جای این مباحث نیز در قاعده لاضرر بسیار خالی است؟

در این مقاله در حد وسع علمی و مقدورات به بررسی جایگاه واقعه «مسجد ضرار» و ارتباط آن با قاعده «لاضرر» در پنج حوزه: قرآن کریم، تفسیر شیعه، تفاسیر اهل سنت، کتب روایی شیعه، کتب فقهی و اصولی و قواعد فقه شیعه می‌پردازیم.

۱- مفهوم شناسی واژگان ضرر و ضرار

در عموم کتب قواعد فقه با استناد به کتب لغت معانی مختلفی برای واژه «ضرر» ذکر شده است از جمله «ضد و مخالف نفع، بدحالی، اذیت و کراهت، تنگنا، نقص در جان و مال، مریضی مانع از جهاد، کوری، نقص در حق، بدی در حق دیگران و ...» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ق: ۴۸-۴۹؛ محقق داماد، ۱۳۹۰ ش: ۱۳۸) که اغلب این معادلات در کتب لغت به همین نحو ذکر شده است (لاروس، ۱۹۷۳ م: ۷۶۶؛ المنجد، ۱۹۸۷ م: ۴۴۷؛ المعجم الوسیط، ۵۳۸/۱). مکارم شیرازی اختلاف در این تعبیرات را نه به جهت اختلاف در معنی، بلکه به واسطه وضوح معنای این واژه می‌شمرد و سپس در جمع‌بندی معانی مذکور معتقد است که ضرر «فقدان هر آنچه از مواهب حیات است که به دنبال آن هستیم تا از آن بهره‌ای داشته باشیم از مال و آبرو و غیر این‌ها» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ق: ۴۹). مرحوم نایینی نیز اگرچه برای ضرر قائل به معنایی عام است ولی موارد استعمال آن در مورد آبرو را کمتر می‌داند (خوانساری، ۱۴۱۸ ق: ۱۹۸/۲). از نظر محقق داماد نیز «غالب استعمالات واژه ضرر و مشتقات آن در امور مالی یا جانی است» کما اینکه همه موارد استعمال آن در قرآن کریم چنین است (محقق داماد، ۱۳۹۰ ش: ۱۳۹).

در معنای واژه «ضرار» که مصدر باب مفاعله است، اغلب کتب به چند معنی اشاره کرده‌اند از جمله «ضرر متقابل طرفینی (در مقابل ضرر که یک‌طرفه است)، ایراد ضرر به طرف مقابل بدون جلب نفعی برای خود (برخلاف ضرر)، مجازات در مقابل ضرر، مترادف و هم‌معنی ضرر، تنگنا و ضرر عامدانه (درحالی‌که ضرر اعم از موارد عمد و غیرعمد است)» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ق: ۵۰؛ محقق داماد، ۱۳۹۰ ش: ۱۳۸-۱۳۹). البته برخی معنای آخر را بهترین معدل برای این واژه دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲ ق: ۵۰-۵۲). در مورد کلمه ضرار برعکس عموم استعمالات واژه ضرر (مالی و جانی)، «تضییق، اهمال، حرج، سختی و کلفت» را رایج شمرده و حتی موارد استفاده از این واژه در قرآن کریم و از جمله آیه مسجد ضرار را نیز بر همین مبنا دانسته‌اند که در آن معنای ضرر مالی و جانی متصور نیست، بلکه تشویش در اذهان مسلمانان و ایجاد تفرقه میان آنان مدنظر

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۰۹

می‌باشد (محقق داماد، ۱۳۹۰ ش: ۱۳۹-۱۴۰)؛ البته برخی محققان با ذکر این تفصیل میان دو واژه ضرر و ضرار، در آن تردید کرده و معتقدند که «با دقت در موارد استعمال [این الفاظ] نادرستی این تفصیل آشکار می‌شود چراکه واژه‌های ضرر و اضرار هم در موارد تنگنا و ضیق [روحی و روانی] و هم نقص [در مال و نفس] به کار برده می‌شوند همچنان که واژه ضرار در موارد نقص مالی و جانی و هم در موارد تنگنا و ضیق استعمال می‌شود» (سیستانی، ۱۴۱۴ ق: ۱۱۴-۱۱۳).

۲- تبیین ماجرای مسجد ضرار

جمعی از قبیله بنوعمر و بن عوف پس از ساختن مسجدی در منطقه قبا، از رسول مکرم اسلام درخواست نمودند تا از باب تیمن و تبرک در مسجد قبا نماز بخواند. پیامبر اکرم هم درخواست آن‌ها را اجابت فرمودند. جماعتی از افراد قبیله بنوعمر بن عوف به این اقدام قبیله بنوعمر و - که احتمالاً در بین آن‌ها رقابت و چشم‌وهم‌چشمی هم بوده - حسادت ورزیده و به تحریک شخصی به نام ابوعامر راهب - که سابقه دشمنی و کینه‌توزی با پیامبر اکرم (ص) را داشت - به ساخت مسجدی در نزدیکی مسجد قبا اقدام کردند.

ابوعامر پدر حنظله غسیل‌الملائکه در جاهلیت در مدینه بود. بعد از ورود پیامبر اکرم به مدینه نسبت به رسول خدا حسد ورزید و علیه ایشان لشکرکشی نمود. سپس به مکه و بعد از فتح مکه نیز به طائف گریخت. پس از مسلمان شدن اهل طائف به شام و سپس به روم رفت و از رومیان علیه رسول خدا یاری گرفت. او به منافقان مدینه پیغام داد که آماده باشند و مسجدی بنا کنند که او با لشکر قیصر به آن‌ها خواهد پیوست و محمد را از مدینه بیرون خواهند کرد. منافقان توقع داشتند ابوعامر با لشکرش برسد اما ابوعامر قبل از رسیدن پادشاه روم مرد.

منافقان با خود گفتند: مسجدی می‌سازیم و اصحاب محمد را در آن راه نمی‌دهیم. لذا پیش رسول خدا آمدند و گفتند: «آیا به ما اجازه می‌دهید مسجدی بنا کنیم تا اگر فقیری یا پیرمردی و یا درمانده‌ای در اوقات بارانی یا شب‌های سرد زمستان درمانده شد، از این مسجد استفاده کند؟» آن‌ها در پیشگاه حضرت سوگند یاد کردند که جز خیر و صلاح از

ساخت این مسجد هدف دیگری ندارند، درحالی که چنین نبود. رسول خدا نیز اجازه فرمودند. منافقان از آن حضرت درخواست کردند تا در مسجد آنها نیز به جهت تیمن و تبرک نماز بخواند. پیامبر اکرم چون عازم جنگ تبوک بودند فرمودند: «الآن عازم سفر هستم پس از بازگشت در مسجد شما نماز می‌خوانم». پس از بازگشت رسول خدا (ص) از تبوک آیه مسجد ضرار بر ایشان نازل شد. رسول خدا (ص) هم به امر خداوند دستور تخریب مسجد را صادر و دو تن از اصحاب خود به نام‌های عاصم بن عوف و مالک بن الدخشم را مأمور تخریب و آتش زدن مسجد نمودند. زمین مسجد نیز پس از تخریب به امر رسول خدا تبدیل به زباله‌دان شد.

۳- گزارش یافته‌ها:

۳-۱- قرآن کریم

در ابتدای بحث ناچار از ذکر اصل آیه مربوط به مسجد ضرار هستیم. قرآن کریم در آیات ۱۰۱ تا ۱۱۰ سوره مبارکه توبه مطالبی را در مورد منافقان مدینه بیان می‌فرماید و بخشی از این مطالب در آیه ۱۰۷ مربوط به واقعه مسجد ضرار است که خداوند چنین می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَكَيْلُ لِنَاسٍ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ». از ظاهر آیات فوق چنین برداشت می‌شود که:

الف- خداوند به پیامبرش اطلاع می‌دهد که دو گروه منافق در اطراف پیامبر وجود دارند که پیامبر آنها را نمی‌شناسد، اگرچه خداوند پیامبرش را از اعمال منافقان آگاه می‌کند؛

ب- برخی افراد اعمال صالح و سوء را باهم خلط می‌کنند و امید است خداوند آنها را بیامرزد. ظاهراً این گروه غیر از منافقان هستند و پیامبر اکرم (ص) باید به خاطر تطهیرشان از آنها صدقه بگیرد؛

ج- منافقان برای اضرار به مردم و اشاعه کفر و تفرقه‌اندازی مسجد ساخته و آن را کمین‌گاهی قرار می‌دهند علیه کسانی که در راه خدا می‌جنگند و بعد هم به دروغ قسم

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۱۱

می‌خورند که قصدی جز نیکوکاری ندارند؛

د- مسجد ضرار بنیانش در مسیر سیلاب است که آب زیر پایه‌های آن را شسته است و نهایتاً در آتش سقوط می‌کند، لذا خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که هرگز در آن مسجد نماز نخواند.

اما مطلب مهم و موضوع اصلی این مقاله، آیه ۱۰۷ است که مستقیماً به جریان مسجد ضرار می‌پردازد و خداوند در این آیه شریفه از مسجدی به نام ضرار نام برده و صراحت دارد که بنای این مسجد بر اساس ضرار، کفر، تفرقه‌اندازی و ارضاد بوده است. در این آیه کلمه «ضرار» منصوب و مفعول له است و در مقام بیان علت ساخت مسجد می‌باشد هم چنان که واژه‌های «تفریقاً» و «ارضاداً» نیز برای بیان همین تعلیل ذکر شده‌اند (طوسی، ۱۴۰۹ ق: ۲۹۷/۵). مراجعه به کتب تفسیری جریان مسجد را برای ما واضح‌تر می‌نماید.

۳-۲- بررسی منابع تفسیری

در این قسمت ما به مضمون و اهم موارد ذکر شده از ماجرای مسجد ضرار در سه تفسیر مهم شیعه و یک تفسیر اهل سنت که به تفصیل به این ماجرا پرداخته‌اند، اشاره خواهیم کرد.

۳-۲-۱- تفسیر الإمام العسکری (ع)

زمانی که پیامبر اکرم (ص) عزم تبوک داشتند، منافقان مسجدی در بیرون مدینه بنا کردند که همان مسجد ضرار است. سپس گروهی از آنان نزد پیامبر (ص) آمدند و گفتند که چون محل زندگی آنان از مسجدالنبی دور بوده و از طرفی دوست داشته‌اند که نماز را به جماعت بخوانند، مسجدی ساخته‌اند و از ایشان تقاضا کردند که در آن مسجد نماز بخوانند تا به محل نماز ایشان تبرک بجویند. رسول خدا (ص) از احوال آنها تا زمانی که خداوند ایشان را مطلع ساخت، با خبر نبودند؛ لذا استر خود را خواستند ولی چون به قصد عزیمت به سمت مسجد منافقین سوار آن شدند حیوان در جهت مسجد پای از پای برداشت؛ درحالی که به سایر جهات می‌رفت. پیامبر استر خود را عوض کرده و سوار اسبی شدند ولی باز موضوع تکرار شد و حتی زمانی که خواستند خود و همراهانش پیاده بروند قدرت راه

رفتن از آنان سلب گردید. ایشان این را حمل بر کراهت خداوند از انجام این عمل در آن زمان گرفته و فرمودند که بعد از بازگشت از سفر در این باره مطابق نظر الهی چاره‌اندیشی خواهند کرد. عزم منافقین بر توطئه پس از خروج ایشان بود لذا خداوند به رسولش وحی کرد که یکی از تو و یا علی به تبوک رفته و آن‌یک در مدینه بماند. پیامبر (ص) از علی (ع) خواستند که در مدینه بماند و ایشان اطاعت کردند ولی ناراحت بودند؛ لذا پیامبر (ص) به ایشان فرمودند: «آیا راضی به این نیستی که نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی باشد، جز آنکه بعد از من پیامبری نخواهد آمد؟» و بدین ترتیب رضایت علی (ع) را جلب کردند. سپس پیامبر (ص) علت نگه‌داشتن ایشان در مدینه را قابلیت ایشان در جلوگیری از توطئه منافقان ذکر کردند. البته منافقان باز به بدگویی‌های خود در مورد نگه‌داشتن ایشان در مدینه ادامه دادند که باز پیامبر (ص) نظر به اهمیت موضوع از ایشان دلجویی کردند. در ادامه این تفسیر به ماجرای خروج پیامبر از مدینه، ترس منافقان از امیرالمؤمنین (ع) برای اقدام به توطئه، نبرد پیامبر با اکیدر و بازگشت پیروزمندانه ایشان و در نهایت دستور خداوند برای سوزاندن این مسجد و عاقبت کار ابو‌عامر فاسق و یاران منافقش از انواع عذاب الهی (نظیر قولنج، برص، جذام و فلج) اشاره شده است (الإمام العسکری (ع)، ۱۴۰۹ ق: ۴۸۴-۴۸۲).

۳-۲-۲- تفسیر القمی

طبق این تفسیر منافقان نزد پیامبر آمده و در ابتدا با این استدلال که می‌خواهند برای افراد پیر و علیل بنوسالم مسجدی بسازند از آن حضرت کسب اجازه کردند و پیامبر اکرم (ص) که عازم تبوک بودند، به آنان اجازه بنای مسجد را دادند. پس از ساختن مسجد مجدداً آنان نزد پیامبر (ص) آمده و از ایشان خواستند که در آنجا نماز بخواند که رسول خدا (ص) گفتند که فعلاً عازم سفرند و پس از بازگشت در مسجد آنان نماز می‌خوانند ولی چون بازگشتند این آیات در شأن مسجد و ابو‌عامر راهب نازل شد. آنان برای پیامبر قسم خورده بودند که این مسجد را برای اصلاح می‌سازند ولی آیه نشان داد که منظور آنان ضرار و کفر و تفرقه و ارساد و دشمنی با خداوند و رسولش است. خداوند در مقابل این

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۱۳

مسجد از مسجدی یاد می‌کند که مبنای تأسیس آن تقوا بوده و محل کسانی است که دوست دارند تطهیر شوند (مسجد قبا). در پایان ماجرا پیامبر (ص) مالک بن دجشم خزاعی و عامر بن عدی از قبیله بنوعمر و بن عوف را برای تخریب این مسجد فرستادند که مالک مسجد را به آتش کشید و افراد داخل مسجد پراکنده شدند و در انتها زید بن حارثه امر به تخریب دیوارهای آن کرد (قمی، ۱۴۰۴ ق: ۱/۳۰۵).

۳-۲-۳- تفسیر مجمع البیان

در این تفسیر بعد از ذکر معادل‌های لغوی واژه‌های ضرار و ارساد، به شأن نزول آیه از زبان مفسرین پرداخته شده بدین ترتیب که: پس از ساختن مسجد قبا به وسیله بنوعمر و بن عوف و درخواست آنان از رسول خدا (ص)، حضرت به مسجد آنان رفت و در آن نماز خواند و عده‌ای از منافقان قبیله بنوعنم بن عوف بر آنان رشک برده و گفتند که ما نیز مسجدی می‌سازیم و در آن نماز خوانده و در جماعت محمد (ص) حاضر نمی‌شویم. این گروه دوازده نفر و به نقلی پانزده نفر بودند از جمله ثعلبه بن حاطب، معتب بن قشیر و نبتل بن حرث. آن‌ها پس از ساختن مسجد در جوار مسجد قبا، نزد رسول خدا (ص) که مهیای عزیمت به تبوک بود، آمدند و ضمن توجیه ساختن مسجد خود، از حضرت خواستند که جهت تبرک در مسجد آنان نماز بخواند. حضرت (ص) فرمودند که پس از بازگشت از سفر درخواستشان را اجابت خواهند کرد ولی در زمان بازگشت ایشان این آیات نازل شد. علامه طبرسی در ادامه به معانی برخی عبارات می‌پردازد و ضمن آن نیز به مواردی اشاره می‌کند از جمله:

-هدف منافقان از تأسیس مسجد ضرار تفرقه‌اندازی و ایجاد فتنه و غائله میان مسلمانان، ضرر رساندن به اهل مسجد قبا و مسجد النبی و کاهش افرادی که به این مساجد تردد می‌کردند، اقامه کفر در این مسجد و ضربه زدن به پیامبر اکرم (ص) و اسلام بود؛
-آن‌ها مسجد را پایگاهی برای همکاری و یاری ابوعامر راهب (پدر حنظله غسل الملائکه) قرار دادند که به محاربه با خدا و رسولش پرداخته بود و قصه‌اش چنین است که او در جاهلیت گرایش به رهبانیت پیدا کرد و هنگامی که رسول خدا (ص) به

مدینه هجرت فرمودند، به آن حضرت حسادت ورزیده و به تحریک مردم پرداخت. او پس از فتح مکه به طائف و پس از اسلام اهل طائف به شام گریخته و به روم پیوست و مسیحی شد. پیامبر (ص) او را فاسق نامیدند و او منافقان را تحریک می کرد که آماده شده و مسجدی بسازند و وعده یاری با لشکری از جانب قیصر روم را به آن ها می داد تا به کمک آن لشکر پیامبر را از مدینه بیرون کنند. منافقان نیز توقع داشتند که ابوعامر به وعده هایش عمل کند اما او قبل از رسیدن به پادشاه روم مرد؛

- منافقان قسم دروغ یاد کردند که منظور آنان از بنای مسجد اعمال نیک، کمک به مردم ضعیف و رفع مشکلات مسلمانان بوده ولی خداوند رسولش را از خبث طینت و نیت آنان مطلع ساخت؛

- رسول خدا (ص) پس از بازگشت از تبوک عاصم بن عوف عجلانی و مالک بن دحشم (از قبیله بنوعمر و بن عوف) را به سوی این مسجد فرستادند که آن را ویران کرده و سوزانند و روایت شده که عمار بن یاسر و وحشی را فرستادند که آن را آتش زدند و سپس امر کردند که محل این مسجد به زباله دانی تبدیل شود؛

- از آیات قرآن برمی آید که آن ها بر کار خود اصرار داشته و از خطای خود بر نمی گشتند؛ لذا عاقبت کار آنان مرگ در حال بقا بر نفاق و کفر خود پیش بینی شده است (طبرسی، ۱۴۱۵ ق: ۱۲۰/۵).

۳-۲-۴- جمع بندی تفاسیر شیعه

بامطالعه و تفحص در سایر منابع تفسیری شیعه (موجود در نرم افزار کتابخانه اهل بیت) مطلب جدید دیگری مازاد بر نقل تفاسیر فوق وجود ندارد (بحرانی، بی تا: ۸۴۷/۲؛ الحویزی، ۱۴۱۲ ق: ۲۶۶/۲؛ حائری تهرانی، ۱۳۳۷ ش: ۵ / ۱۸۵؛ مغنیه، التفسیر الکاشف: ۹۹/۴؛ مغنیه، التفسیر المبین: ۲۶۰؛ الطباطبائی، ۱۴۰۲ ق: ۳۸۸/۹). در تحلیل و بررسی نهایی این متون می توان به اهم موارد زیر اشاره داشت:

الف - منقولات تفاسیر شیعه بدون سند است، اما چون ایراد محتوایی در آن مشاهده نشد، در مورد صحت و سقم آن فعلاً خیلی محکم نمی توان اظهار نظر کرد؛

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۱۵

ب - دلیل تخریب مسجد همان است که در قرآن کریم ذکر شده؛ یعنی ایجاد کفر و تفرقه بین مؤمنین و تبدیل مسجد به پایگاهی ضد اسلام و مطالبی بیش از این در این خصوص وجود ندارد؛

ج - علت نام‌گذاری مسجد به «ضرار» همان دلایل مذکور در آیه است که ضرر مالی نیست؛

د - بین تخریب مسجد ضرار و حدیث منزلت ارتباط وجود دارد که در جای خودش باید از آن بحث شود؛

۳-۲-۵- تفسیر طبری

پس از بررسی تفاسیر اهل سنت نیز مطالبی افزون بر منقولات تفاسیر شیعه به دست نیامد، لذا به جهت اختصار متن تفسیر طبری که تقریباً از بقیه تفاسیر جامع‌تر است را نقل و در بقیه موارد به ذکر آدرس منابع اکتفا می‌شود. طبری در تأویل قول خداوند بانیان این مسجد را دوازده نفر می‌خواند. او با ذکر سلسله راویان این حدیث و به نقل از زهری، یزید بن رومان، عبدالله بن ابی‌بکر، عاصم بن عمر و دیگران به ذکر ماجرای قصد رسول خدا (ص) برای عزیمت به تبوک و نزول ایشان در منطقه ذی‌اوان در نزدیکی مدینه اشاره و می‌نویسد که سازندگان این مسجد نزد پیامبر (ص) آمده و ضمن توجیه دلایل خود برای ساختن این مسجد، از ایشان خواستند که در مسجدشان نماز بگزارد که حضرت نماز را موکول به بازگشت کردند ولی در بازگشت به این منطقه، خبر مسجد به ایشان رسید پس به مالک بن‌دخشم از تیره بنوسالم بن عوف و معن بن عدی یا برادرش عاصم بن عدی از تیره بنوعجلان امر کردند که مسجد را ویران کرده و بسوزانند و آن‌ها چنین کردند تا اهل مسجد پراکنده شدند و در خصوص آنان این آیه نازل شد. او سپس به ذکر اسامی این افراد و قبیله و تیره آنان می‌پردازد که بیشتر از بنوعمر و بن‌عوف و بنوضبیعه بن‌یزید بودند و ضمن ذکر اسامی آنان، محارب با خدا و رسولش را همان ابوعامر کافر می‌خواند که با سازمان‌دهی گروه‌هایی، حتی قبل از بنای مسجد ضرار به مخالفت با رسول خدا و جنگ با او پرداخته بود؛ ولی پس از عدم توفیق راهی روم شده و از پادشاه آنان برای پیروزی بر

پیامبر (ص) طلب یاری کرده بود. او همچنین با پیروان مسجد ضرار در ارتباط بوده و آنان را ترغیب به ساختن آن نموده بود تا به زعم خود پس از پیروزی بر پیامبر (ص) و بازگشت به مدینه در آن نماز بخواند. طبری سپس به طرق مختلف از ابن عباس، مجاهد، سعید بن جبیر، عایشه، قتاده، ضحاک، ابن زید و لیث به مواردی به شرح زیر اشاره می‌کند:

- از ابن عباس: سازندگان مسجد گروهی از انصار بودند و ابوعامر به آن‌ها پیغام داد که «خود را تجهیز کرده و مسلح شوید تا من نزد قیصر روم رفته و با کمک سپاه رومیان محمد (ص) و یارانش را از مدینه بیرون کنم». این گروه پس از ساختن مسجد نزد پیامبر (ص) آمده و تقاضا کردند که پیامبر (ص) برای تبرک در مسجد آنان نماز بخواند که خداوند ایشان را از این کار نهی فرمود؛

- از ابن عباس با سندی دیگر: پس از آن که رسول خدا (ص) مسجد قبا را بنا نهادند، مردانی از انصار از جمله بخدج جد عبدالله بن حنیف، ودیعه بن حزام و مجمع بن جاریه انصاری نیز مسجد نفاق را ساختند. پیامبر (ص) ملامتگرانه از بخدج علت این کار را جویا شدند و او به دروغ گفت که قصدی جز خیر نداشته، لذا رسول خدا ضمن تصدیق او، قصد عذرخواهی از وی را داشتند که خداوند این آیه را نازل فرمود؛

- از ابن عباس با سندی دیگر: محارب با خدا و رسولش ابوعامر راهب بود و اهل مسجد ضرار می‌گفتند که او پس از بازگشت از روم در این مسجد نماز خواهد خواند و می‌پنداشتند که او بر پیامبر (ص) پیروز خواهد شد؛

- از مجاهد با چهار سند مختلف: سازندگان مسجد ضرار در آیه همان منافقان و محارب با خدا و رسولش ابوعامر راهب بوده است؛

- از سعید بن جبیر با سه سند مختلف: سازندگان مسجد ضرار در آیه شریفه از قبیله بنو غنم بن عوف بودند؛

- از عایشه: محارب با خدا و رسولش ابوعامر راهب بود که به شام رفت و اهل مسجد ضرار [صراحتاً] می‌گفتند که این مسجد را به این جهت ساخته‌ایم که ابوعامر در آن نماز بخواند؛

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۱۷

- از قتاده: هدف سازندگان مسجد ضرار که از اهل نفاق بودند، تقابل با مسجدالنبی بود؛

- از ضحاک: اهل مسجد ضرار مردمی از منافقین بودند که مسجدی را در قبا برای ایراد ضرر به پیامبر (ص) و مسلمانان بنا کردند و می گفتند که ابوعامر پس از بازگشت از نزد قیصر روم در آن نماز خواهد کرد و معتقد بودند که او بر پیامبر اکرم (ص) پیروز خواهد شد؛

- از ابن زید: ابوعامر، ضیفی و برادرش سه تن از برگزیدگان مسلمین بودند که در رأس منافقان قرار گرفتند و ابوعامر و ابن باین از ثقیف و علقمه بن علائه از قیس از دست رسول خدا (ص) به روم گریختند. از این سه تن ابن باین و علقمه به مدینه بازگشته و با پیامبر (ص) بیعت نمودند ولی ابوعامر مسیحی شد و قیام کرد و عده‌ای از منافقان مسجد ضرار را برای او ساختند و می گفتند «هرگاه او بیاید در آن نماز می کند». تفرقه اندازی منافقان در جامعه مسلمین بدین شکل بود که مسلمانان قبلاً همگی باهم در مسجد قبا نماز می خواندند و منافقان عده‌ای از مردم را از آن مسجد به مسجد ضرار بردند. از طرف دیگر آن‌ها به دروغ و خدعه مدعی شدند که هدف خیرخواهانه دارند و در مواقع اضطرار در این مسجد نماز می خوانند و هرگاه محذوری نباشد در همان مسجد قبا و با دیگر مسلمانان نماز خواهند خواند؛

- از لیث: امر خداوند به پیامبر اکرم (ص) مبنی بر عدم نماز در مسجد ضرار نشانگر آن است که هر مسجدی چنین شرایطی داشته باشد، نباید در آن نماز خوانده شود (الطبری، ۱۴۱۵ ق: ۱۱/۳۱).

۳-۲-۶- جمع بندی تفاسیر اهل سنت

با تحقیق و تفحص در تفاسیر اهل سنت نیز افزون بر آنچه در تفاسیر شیعه در خصوص مسجد ضرار نقل گردید، مطلب بیشتری یافت نشد (القرطبی، ۱۴۰۵ ق: ۸/۲۵۲ و ۲۵۷؛ ابن کثیر، ۱۴۱۲ ق: ۲/۴۰۲؛ الصنعانی، ۱۴۱۰ ق: ۲/۲۸۷؛ الطبری، ۱۴۱۵ ق: ۱۱/۳۱ و ۴۵؛ الثعلبی، ۱۴۲۲ ق: ۵/۹۲؛ الواحدی النیسابوری؛ ۱۳۸۸ ق: ۱۷۵؛ الرازی، بی تا: ۱۱۷/۱۶ و

۱۹۴؛ مجاهد بن جبر، بی تا: ۱/ ۲۸۶؛ البیضاوی، ۱۴۱۸ ق: ۳/ ۹۷؛ أبو حیان الأندلسی، ۱۴۲۲ ق: ۵/ ۱۰۱؛ العز بن عبدالسلام، ۱۴۱۶ ق: ۲/ ۵۰؛ الرازی (ابن ابی حاتم)، بی تا: ۶/ ۱۸۷۸؛ النحاس، ۱۴۰۹ ق: ۳/ ۲۵۲؛ الجصاص، ۱۴۱۵ ق: ۳/ ۲۰۰؛ أبو الیث السمرقندی، بی تا: ۲/ ۸۷؛ السیوطی و المحلی، بی تا: شرح ص ۴۷۵ - ۴۷۸؛ السیوطی، ۱۴۱۶ ق: ۲/ ۳۸۷؛ جلال الدین السیوطی، الدرالمثور فی التفسیر بالمأثور: ۳/ ۲۷۶؛ همو، لباب النقول: ۱۱۱؛ الشوکانی، بی تا: ۲/ ۴۰۲؛ الآلوسی، بی تا: ۱۱/ ۱۷؛ عبدالرحمن بن ناصرالسعدی، ۱۴۲۱ ق: ۳۵۱؛ الشنقیطی، ۱۴۱۵ ق: ۸/ ۳۲۳؛ البغوی، بی تا: ۲/ ۳۲۶؛ عزة دروزة، ۱۴۲۱ ق: ۹/ ۵۳۱؛ السمعانی، ۱۴۱۸ ق: ۲/ ۳۴۷؛ الزحیلی، ۱۴۲۷ ق: ۱/ ۵۲۰ و ۹۱۸ و ۶/ ۱۸۸ و ۴۰۱؛ ابن العربی، بی تا: ۲/ ۵۸۰؛ ابن الجوزی، ۱۴۰۷ ق: ۳/ ۳۳۸ - ۳۴۰).

اهم موارد دریافتی از تحلیل و بررسی تفاسیر اهل سنت به شرح زیر هستند:

- ۱- تعداد افرادی که مسجد ضرار را ساختند ۱۲ نفر از انصار و قبیله بنی عمرو بن عوف بودند؛
- ۲- رسول خدا دستور دادند مسجد ضرار را به آتش کشیدند و سپس ساختمان آن را منهدم کردند و زمین آن به زباله‌دان تبدیل شد؛
- ۳- ابو عامر راهب بود لذا به پیامبر ایمان نیاورده و آن حضرت را تکذیب نمود و دعا کرد هر کس که دروغ گو است در تنهایی و غربت بمیرد و پیامبر هم آمین گفتند. او نهایتاً در تنهایی و در رم مرد؛
- ۴- پیامبر او را فاسق نامید و او در جنگ احزاب نیز علیه رسول خدا لشکرکشی کرده بود؛
- ۵- رسول خدا در زمان صدور دستور تخریب مسجد فرمودند: «به سوی مسجدی بروید که اهالی آن مسجد ظالم هستند»؛
- ۶- در هیچ مأخذی ضرر مالی به عنوان علت تخریب مسجد بیان نشده است، بلکه حتی ابن عربی علت تخریب را «ضراراً باعتقادهم» بیان کرده است (ابن العربی، بی تا: ۲/ ۵۸۰)؛

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۱۹

۷- به برخی کتب تاریخی نیز در این زمینه مراجعه شده است (واقدی، ۱۴۰۵ ق: ۲/

۱۰۴۵).

۴- کتب روایی شیعه

موضوع در کتب روایی شیعه نیز مورد بررسی قرار گرفت. چون در این مآخذ نیز مطلبی بیشتر از مآخذ قبلی یافت نشد از بین آنها بحارالانوار که مجمع الاقوال است انتخاب شد که در آن پس از ذکر آیات مربوطه مطالب را از تفسیر مجمع‌البیان، تفسیر قمی، کافی، تفسیر عیاشی، تفسیر امام العسکری، بیان می‌دارد که کامل‌ترین مآخذ تفسیر امام العسکری است که قبلاً متن آن ذکر شد. مآخذ دیگری که مطلب آن تا حدودی مورد توجه قرار گرفت عوالی‌اللثالی است که بخشی از آن را ذیلاً بیان نموده و در بقیه موارد به ذکر آدرس بسنده می‌کنیم:

«روایت شده هنگامی که بنوعمر و بن عوف مسجد قبا را بنا کردند به دنبال پیامبر اکرم (ص) فرستادند و آن حضرت نزد آنان آمده و در آن مسجد نماز خواندند؛ پس هم‌قبیله‌ای آنان از بنوعمر بن عوف بر آنان رشک برده و مسجدی ساخته و به دنبال رسول خدا فرستادند تا نزد آنان رفته و در مسجدشان نماز بگذارد که حضرت به دلیل عزیمت به تبوک، رفتن نزد آنان و اقامه نماز در مسجدشان را منوط به بازگشت کردند، اما پس از بازگشت ایشان خداوند این آیه را نازل فرمود: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا...». لذا پیامبر (ص) عده‌ای از اصحاب من جمله عمار بن یاسر را مأمور کرده و به آنان گفتند: «به سوی این مسجد که اهلش ظالم‌اند بشتابید و آنجا را ویران کرده و بسوزانید» و امر کردند که مکان مسجد را زباله‌دانی قرار دهند. در پاورقی این کتاب در توضیح این مطالب به موارد زیر اشاره شده است:

- این روایت را اکثر مفسران اهل سنت و امامیه با اختلاف در الفاظ و اتحاد در معنی آورده‌اند نظیر تفسیر تبیان شیخ طوسی، مجمع‌البیان طبرسی، الصافی فیض کاشانی، البرهان بحرانی، الدر المنثور سیوطی، جامع البیان ابن جریر طبری، تفسیر القرآن العظیم ابن کثیر دمشقی، روح الجنان ابوالفتوح رازی و دیگر نویسندگان کتب حدیثی؛

- این روایت در کتاب المستدرک در باب احکام مساجد و به نقل از عوالی اللئالی آمده است؛

- از این روایت برمی آید که ملائک اعمال تقرب به خداوند است و اگر عملی صرفاً بر این مبنا نباشد، فاقد ارزش بوده و در صورتی که نیت دنیوی داشته باشد، خطا و مورد غضب خداوند و شرعاً حرام و شایسته نابودی است و باید با آن مقابله شود (ابن ابی جمهور الأحسائی، ۱۴۰۳ ق: ۳۲-۳۳/۲ و پاورقی ۱ و ۲، ص ۳۳).

همچنان که گفتیم سایر منابع روایی شیعه نیز به این واقعه پرداخته‌اند ولی با بررسی عموم کتب روایی شیعه، تقریباً تمامی مطلب جدید و قابل‌بחי پیدا نشد (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۲۵۲/۲۱ و ۲۵۲/۲۰ و ۵۷/۲۱ و ۲۵۲/۲۱؛ البروجردی، ۱۴۰۹ ق: ۴/۴۵۵؛ النوری، ۱۴۰۸ ق: ۳/۴۳۸؛ ابن ابی جمهور الأحسائی، ۱۴۰۳ ق: ۲/۳۲ - ۳۳؛ المجلسی (الأول)، بی‌تا: ۱/۴۱۲؛ مجلسی، ۱۳۷۳ ش: ۲/۲۹۸؛ مجلسی، ۱۴۰۶ ق: ۵/۴۹۴).

۵- کتب فقهی، اصولی و قواعد فقه شیعه

با بررسی این گروه از کتاب‌ها، می‌توان آن‌ها را در گروه‌های زیر دسته‌بندی کرد:

گروه اول- برخی از علما در قاعده لاضرر اصلاً به آیه مسجد ضرار استناد نکرده‌اند (خلخالی، ۱۴۱۸: ۱۳۲ - ۱۳۳)؛

گروه دوم- برخی نیز اصلاً به آیات قران استناد نکرده و مستندشان فقط روایات است؛

گروه سوم- برخی کلمه ضرار در آیه شریفه مسجد ضرار را با کلمه ضرر در دیگر آیات و روایات متفاوت دانسته و به بیان تفاوت‌ها بین کلمه ضرر و کلمه ضرار پرداخته‌اند (شاهرودی، ۱۴۲۶ ق: ۵/۴۵۷ - ۴۵۸؛ اسماعیل‌پور شهرضائی، بی‌تا: ۵/۱۲۷ - ۱۲۸؛ روحانی، ۱۴۱۲ ق: ۳/۴۳۳ و ۴۴۴-۴۴۵؛ جزائری مروج، ۱۴۱۴ ق: ۶/پاورقی صص ۵۰۷ - ۵۰۴)؛

گروه چهارم- برخی ضرار را به همان معنی ضرر دانسته‌اند (خوانساری، ۱۴۱۸ ق: ۳/۳۷۸)؛

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۲۱

گروه پنجم - برخی معتقدند که ضرار در آیه مسجد ضرار به معنی نقص است و نه به معنی شدت و ضیق (حائری، ۱۴۰۷ ق: ۴/۵۳۴)؛

گروه ششم - امام خمینی و آیت‌الله سیستانی در بین اصولیان تنها افرادی هستند که بحث ضرر معنوی و اعتقادی را به صراحت مطرح کرده‌اند (خمینی، ۱۳۸۵ ق: ۱/۳۱ و همو، ۱۴۱۴ ق: ۶۷؛ سبحانی، بی تا: ۳/۹۵؛ سیستانی، ۱۴۱۴ ق: ۱۱۴-۱۱۳).

نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه گذشت و با توجه به بررسی گسترده در بین تمامی مآخذ مورد مطالعه، موارد ذیل را می‌توان به‌عنوان حاصل این تحقیق عنوان کرد:

۱- به تصریح قرآن کریم ساخت مسجد ضرار مورد تائید خدای متعال نبوده و خداوند نیت درونی منافقان را برای رسول خدا و مسلمانان آشکار می‌کند، چون آن‌ها در زمان اخذ اجازه ساخت از رسول خدا مدعی نیت خیرخواهانه بودند و حتی به تصریح وحی در این زمینه سوگند یاد کردند، درحالی که باطن امر عکس ادعای آن‌ها بود ((وَأَيُّحِلُّنَّ إِنِّ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ))؛

۲- نیت منافقان از ساخت مسجد به صراحت وحی چهار مطلب بوده است: ضرار، کفر، تفرقه بین مؤمنین و کمین کردن علیه کسانی که برای خدا محاربه می‌کنند که این به‌طور صد در صد با هدف و حکمت بعثت رسول خدا در تضاد و تناقض بوده است.

۳- از ظاهر کلام وحی شدت و غلظت در نفی و مخالفت با بنای چنین مسجدی برداشت می‌شود به‌گونه‌ای که با عبارت «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا» به شدت رسول خدا از اقامه نماز در آن مسجد نهی می‌شود.

۴- اساس مسجد نیز توسط خدای متعال با کلام شریف: «مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَيَّ شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارٍ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ» توصیف شده است که این توصیف دلیل بسیار محکمی است که این مسجد از اساس به‌طور کامل باطل است.

۵- همگی مفسران زمان شأن نزول آیه شریفه را مصادف با زمان حرکت رسول خدا برای جنگ تبوک ذکر کرده‌اند.

۶- نکته‌ای که ذهن نگارندگان را به خود مشغول داشته ارتباط بنای مسجد ضرار با حدیث منزلت است که گمان می‌رود یکی از علل عمده ساخت این مسجد تشکیل پایگاهی باشد باهدف تغییر وصایت و خلافت رسول خدا از مسیر ولایت علی بن ابی‌طالب به مسیر دلخواه منافقان. چنانکه در منابع اسلامی ذکر شده - و در همین مقاله نیز در تفسیر امام حسن عسکری نیز ذکر آن گذشت - دقیقاً در زمانی که رسول خدا از مدینه به قصد تبوک حرکت کردند و در فاصله کمی از مدینه و در محلی به نام ذی‌اوان، هم خیر مسجد ضرار به آن حضرت رسید و هم خیر توطئه منافقان علیه امیرالمؤمنین (ع) و همین اتفاقات بود که موجب صدور حدیث منزلت در شأن و فضیلت آن حضرت شده است؛

۷- در زمان دستور تخریب مسجد پیامبر اکرم اهالی آن مسجد را ظالم معرفی کردند که این مطلب نیز این ادعا را که محتوای آیه مورد بحث ضرر معنوی است نه ضرر مادی، تقویت می‌کند. چراکه ظلم یک معنی کلی است که البته مصادیق مادی هم دارد و در این آیه شریفه رسول اکرم منافقان را ظالم خطاب نموده‌اند.

۸- نکته مهم و نهایی این که: نه تنها در آیه شریفه هیچ اشاره‌ای به ضرر و زیان مادی نشده است بلکه تعلیل‌های بیان شده در شمول به ضرر معنوی: کفر، تفرقه بین مؤمنین و کمین کردن علیه رزمندگان خدا صراحت دارند و امکان تفسیر موضوع آیه به صرف ضرر مادی وجود ندارد و قرینه‌ای هم در این زمینه نیست.

تعارض منافع

تعارض منافع وجود ندارد.

ORCID

Abbas Taghvaei



<http://orcid.org/0000-0003-2901-0435>

Hasan Rezazadeh



<http://orcid.org/0000-0002-0090-2624>

Moghadam

منابع

«القرآن الکریم».

آلوسی، محمود بن عبدالله. (بی تا). «تفسیر آلوسی»، بی جا.

ابن ابی جمهور الأحسائی، محمد بن زین الدین. (۱۴۰۳ ق). «عوالی اللئالی»، مجتبی العراقی، الأولى، قم: سیدالشهداء.

ابن الجوزی، عبدالرحمن بن علی. (۱۴۰۷ ق). «زادالمسیر فی علم التفسیر»، محمد بن عبدالرحمن عبدالله، أبوهاجر السعید بن بسیونی زغلول، الأولى، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع.

ابن العربی، محمد بن عبدالله. (بی تا). «أحكام القرآن»، محمد عبدالقادر عطا، لبنان: دارالفکر للطباعة والنشر.

ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۲ ق). «تفسیر القرآن العظیم (تفسیر ابن کثیر)»، یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزیع.

أبو حیان الأندلسی، محمد بن یوسف. (۱۴۲۲ ق). «تفسیر البحرالمحیط»، الشیخ عادل أحمد عبدالموجود، الشیخ علی محمد معوض، زکریا عبدالمجید النوقی، أحمد النجولی الجمل، الأولى، بیروت: دارالکتب العلمیة.

أبو الیث السمرقندی، نصر بن محمد. (بی تا). «تفسیر السمرقندی»، محمود مطرچی، بیروت: دارالفکر.

اسماعیل پور الشهرضائی، محمد علی. (بی تا). «مجمع الأفكار و مطرح الأنظار»، تقریرات بحث میرزاهاشم الآملی، بی جا.

الإمام العسکری (ع). (۱۴۰۹ ق). «تفسیرالإمام العسکری» (المنسوب)، السید محمدباقر الموحد الأبطحی، الأولى، قم: مهر، مدرسة الإمام المهدي (عج).

بجنوردی، سیدمحمد. (۱۳۷۲ ش). «قواعد فقهیه»، تهران: نشر میعاد.

بحرانی، السیدهاشم. (بی تا). «البرهان فی تفسیرالقرآن»، قم: مؤسسه البعثة.

بروجردی، حسین. (۱۴۰۹ ق). «جامع أحادیث الشیعة»، قم: مهر.

البغوی، حسین بن مسعود. (بی تا). «معالم التنزیل فی تفسیرالقرآن (تفسیرالبغوی)»، خالد عبدالرحمن العکک، بیروت: دارالمعرفة.

البيضاوى، عبدالله بن محمد. (١٤١٨ ق). «أنوار التنزيل و أسرار التأويل (تفسير البيضاوى)»، محمد عبدالرحمن المرعشلى، الأولى، بيروت: دار إحياء التراث العربى للطباعة و النشر و التوزيع. الثعلبى، احمد بن محمد. (١٤٢٢ ق). «الكشف و البيان عن تفسير القرآن (تفسير الثعلبى)»، الإمام أبى محمد بن عاشور، نظير الساعدى، الأولى، بيروت: دار إحياء التراث العربى. جزائرى مروج، سيد محمد جعفر. (١٤١٤ ق). «منتهى الدرأيه»، الثالثه، قم: مؤسسه دارالكتاب (الجزائرى) للطباعة و النشر.

الجصاص، احمد بن على. (١٤١٥ ق). «أحكام القرآن»، عبدالسلام محمدعلى شاهين، الأولى، بيروت: دارالكتب العلميه.

حائرى، سيد كاظم. (١٤٠٧ ق). «مباحث الأصول»، تقرير بحث السيد محمدباقر الصدر، الأولى، قم: مطبعة مركز النشر، مكتب الإعلام الاسلامى.

حائرى تهرانى، ميرسيدعلى. (١٣٣٧ ش). «تفسير مقتنيات الدرر»، محمد الآخوندى، طهران: دارالكتب الإسلاميه.

الحويزى، على. (١٤١٢ ق). «تفسير نور الثقلين»، السيدهاشم الرسولى المحلاتى، الرابعه، قم: مؤسسه إسماعيليان للطباعة و النشر و التوزيع.

خلخالى، سيدمرتضى. (١٤١٨ ق). «قاعده لاضرر و لاضرار»، تقرير بحث آقا ضياء، السيد قاسم الحسينى الجلالى، الأولى، قم: دفتر تبليغات اسلامى حوزه علميه قم.

خمينى، سيد روح الله. (١٤١٤ ق). «بدائع الدرر فى قاعده نفى الضرر»، دوم، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار الإمام الخمينى (ره).

٢٤ - ----- (١٣٨٥ ق). «الرسائل»، مجتبى الطهرانى، قم: مؤسسه اسماعيليان.

خوانسارى، موسى بن محمد. (١٤١٨ ق). «منيه الطالب»، تقرير بحث النائينى، الأولى، قم: مؤسسه النشر الإسلامى التابعه لجماعه المدرسين بقم المشرفه.

الرازى، ابن أبى حاتم. (بى تا). «تفسير القرآن العظيم (تفسير ابن أبى حاتم)»، أسعد محمد الطيب، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

الرازى، فخرالدين. (بى تا). «التفسير الكبير (تفسير الرازى)»، الثالثه، بى جا.

روحانى، سيد محمدصادق. (١٤١٢ ق). «زبدة الأصول»، الأولى، قم: مدرسة الإمام الصادق.

الزحلى، وهبه. (١٤٢٧ ق). «التفسير الوسيط»، الثانية، بيروت: دارالفكر المعاصر.

واكاوى نوع ضرر (ضرر اعتقادي) در آيه «مسجد ضرار»: تقوائى و رضازاده مقدم | ٢٢٥

سبحانى، جعفر. (بى تا). «تهذيب الأصول»، تقرير بحث السيد بالخمينى، قم: انتشارات دارالفكر.
السمعانى، منصور بن محمد. (١٤١٨ ق). «تفسير السمعانى»، ياسر بن إبراهيم و غنيم بن عباس بن غنيم،
الأولى، رياض: دارالوطن.

سيستانى، سيدعلى. (١٤١٤ ق). «قاعدة لاضرر ولاضرار»، الأولى، قم: مكتب آية الله العظمى السيد
السيستانى.

----- (١٣٨٩ ش). «قاعدة لاضرر ولاضرار»، تقرير اجاث سيدعلى حسينى سيستانى،
ترجمه دكتور اكبر نايب زاده، اول، تهران: خرسندى.

سيوطى، جلال الدين. (١٤١٦ ق). «الائتقان فى علوم القرآن»، سعيد المندوب، الأولى، لبنان:
دارالفكر.

----- و المحلى، محمد بن احمد. (بى تا). «تفسير الجلالين»، مروان سوار، مذيلا بكتاب لباب
النقول فى أسباب النزول للسيوطى، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر و التوزيع.

----- (بى تا). «الدر المنثور فى التفسير بالمأثور»، بيروت: دارالمعرفة للطباعة و النشر.

----- (بى تا). «الباب النقول»، أحمد عبدالشافى، بيروت: دارالكتب العلمية.

شاهرودى، سيد محمود. (١٤٢٦ ق). «بحوث فى علم الأصول»، تقرير بحث السيد محمد باقر الصدر،
الثالث، مؤسسة دائرة المعارف الفقه الإسلامى طبقاً لمذهب اهل البيت (ع).

الشنقيطى، محمدامين. (١٤١٥ ق). «أضواء البيان»، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر.

الشوكانى، محمد بن على بن محمد. (بى تا). «فتح القدير»، بى جا: عالم الكتب.

الصنعانى، عبدالرزاق. (١٤١٠ ق). «تفسير القرآن»، الدكتور مصطفى مسلم محمد، الأولى، الرياض:
مكتبة الرشد للنشر و التوزيع.

طباطبايى، محمد حسين. (١٤٠٢ ق). «تفسير الميزان»، قم: مؤسسة النشر الإسلامى التابعة لجماعة
المدرسين.

طبرسى، فضل بن حسن. (١٤١٥ ق). «مجمع البيان»، الأولى، بيروت: مؤسسه الأعلمى للمطبوعات.

الطبرى، محمد بن جرير. (١٤١٥ ق). «جامع البيان عن تأويل آى القرآن»، الشيخ خليل الميس،
صدقى جميل العطار، بيروت: دارالفكر للطباعة و النشر و التوزيع.

طنطاوى، سيد محمد. (بى تا). «التفسير الوسيط للقرآن الكريم»، بى جا.

طوسى، محمد بن حسن (١٤٠٩ ق). «التبيان فى تفسير القرآن»، تحقيق و تصحيح: احمد حبيب

- قصیر العاملی، الاولی، مکتبه لإعلام الاسلامی.
- عبدالرحمن بن ناصر السعدی، ابوعبدالله. (١٤٢١ ق). «تیسیرالکریم الرحمن فی کلام المنان»، ابن عثیمین، بیروت: مؤسسه الرساله.
- العز بن عبدالسلام، عبدالعزیز. (١٤١٦ ق). «تفسیر العز بن عبدالسلام»، الدكتور عبدالله بن إبراهیم الوهبی، الاولی، بیروت: دار ابن حزم.
- عزة دروزة، محمد. (١٤٢١ ق). «التفسیر الحدیث»، الثانیة، بیروت: دار الغرب الإسلامی.
- القرطبی، محمد بن احمد. (١٤٠٥ ق). «الجامع لأحكام القرآن (تفسیر القرطبی)»، أبو اسحاق إبراهیم أطفیش، بیروت: دار إحياء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم. (١٤٠٤ ق). «تفسیرالقمی»، السیدطیب الموسوی الجزائری، الثالثة، قم: دارالکتاب للطباعة و النشر، منشورات مکتبه الهدی.
- «لاروس (معجم العربی الحدیث)» (١٩٧٣ م)، مکتبه لاروس.
- مازندرانی، ملا محمد صالح. (١٤٢١ ق). «شرح أصول الکافی»، المیرزا أبو الحسن الشعرانی، السیدعلی عاشور، الاولی، بیروت: دار إحياء التراث العربی للطباعة و النشر و التوزیع.
- مجاهد بن جبر، ابواحجاج. (بی تا). «تفسیر مجاهد»، عبدالرحمن الطاهر بن محمد السورتی، اسلام آباد: مجمع البحوث الإسلامیة.
- مجلسی، محمدباقر. (١٤٠٣ ق). «بحار الأنوار»، الثانیة، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- (١٤٠٦ ق). «ملاذلأخيار»، السیدمهدي الرجائي، السیدمحمود المرعشی، السیداحمد الحسینی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی.
- مجلسی، محمدتقی. (بی تا). «روضه المتقین»، السیدحسین الموسوی الکرمانی و الشیخ علی پناه الإشتهاردی، بنیاد فرهنگ اسلامی حاج محمدحسین کوشانیور.
- (١٣٧٣ ش). «لوامع صاحبقرانی» (شرح الفقیه، فارسی)، الاولی، قمک مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- «المعجم الوسیط»، مصر: مطبعه دار المعارف.
- مغنیه، محمدجواد. (١٤٠٠ ق). «التفسیر الکاشف»، الثالثة، بیروت: دارالعلم للملایین.
- (١٤٠٠ ق). «التفسیر المبین»، الثانیة، مؤسسه دارالکتاب الإسلامی.
- مقاتل بن سلیمان، ابوالحسن. (١٤٢٤). «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، أحمد فريد، الاولی، بیروت:

دارالکتب العلمیة.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۲ ق). «القواعد الفقهیة»، تهران: صدر.

«المنجد فی اللغة و الأعلام» (۱۹۸۷ م)، بیروت: دار المشرق، الطبعة الحادیة و العشرین.

النحاس، ابو جعفر. (۱۴۰۹ ق). «معانی القرآن»، الشیخ محمد علی الصابونی، الأولى، المملكة العربیة السعودیة: جامعه أم القرى.

نوری، میرزا حسین. (۱۴۰۸ ق). «مستدرک الوسائل»، الثانیة، بیروت: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.

الواحدی النیسابوری، علی بن احمد. (۱۳۸۸ ق). «أسباب نزول الآيات»، القاهرة: مؤسسه الحلبي.

الواقدي، محمد بن عمر بن واقد. (۱۴۰۵ ق). «المغازی»، الدكتور مارسدن جونسن، نشر دانش اسلامي.

Reference

Al-Qur'an Al-Karim.

Alousi, Mahmoud bin Abdullah. (n.d). "*Tafsir al-Alousi*", no place.

Ibn Abi Jumhur Al-Hasa'i, Muhammad Ben Zain al-Din. (1403 AH). "Awali Al-Leali", Mojtaba Al-Iraqi, Al-Awli, Qom: Seyyed al-Shohada. [in Arabic]

Al-Zahili, Wahba. (2006). "*Al-Tafseer al-Wasit*", al-Thaniyyah, Beirut: Dar al-Fekr al-Mawdeen. [in Arabic]

Abuhian al-Andalusi, Muhammad bin Youssef. (2001). "*Tafsir al-Bahr al-Muhait*", Al-Sheikh Adel Ahmed Abdul-Mojood, Al-Sheikh Ali Muhammad Moawad, Zakaria Abdul-Majid al-Nuqi, Ahmed Al-Najoli Al-Jamal, Al-Awli, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. [in Arabic]

Abul Laith al-Samrakandi, Nasr bin Mohammad. (n.d). "*Tafseer al-Smarqandi*", Mahmoud Matarji, Beirut: Dar al-Fekr. [in Arabic]

Al-Baghwi, Hossein bin Masoud. (n.d). "*Maalam al-Tanzil fi Tafsir al-Qur'an (Tafsir al-Baghwi)*", Khaled Abd al-Rahman al-Ak, Beirut: Daral al-Marfeat. [in Arabic]

Al-Baydawi, Abdullah bin Muhammad. (1997). "*Anwar al-Tanzil and secrets of interpretation (Tafseer al-Baydawi)*", Muhammad Abd al-Rahman al-Marashli, Al-Awli, Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi for printing, publishing, and distribution. [in Arabic]

Al-Thalabi, Ahmad bin Muhammad. (2001). "*Al-Kashf and Al-Bayan on Tafsir al-Qur'an (Tafseer al-Thalbi)*", Imam Abi Muhammad Ibn Ashur, Nazir Al-Saadi, Al-Awli, Beirut: Dar Ihya Al-Tarath al-Arabi.

Al-Jasas, Ahmad bin Ali. (1994). "*Ahkam al-Qur'an*", Abdus Salam Mohammad Ali Shahin, Al-Awli, Beirut: Dar al-Kutb al-Alamiya.

Al-Razi, Ibn Abi Hatem. (n.d). "*Tafsir al-Qur'an al-Azeem (Tafsir Ibn Abi*

- Hatim*)", Asaad Muhammad al-Tabeeb, Beirut: Dar al-Fikr Lal-Tapran and Al-Nashar and Al-Tawzi'ah. [in Arabic]
- Al-Razi, Fakhreddin. (n.d). "*Al-Tafsir al-Kabeer (Tafsir al-Razi)*", al-Arah, without place.
- Al-Samaani, Mansoor bin Mohammad. (1997). "*Tafsir al-Samaani*", Yasir bin Ibrahim and Ghanim bin Abbas bin Ghanim, Al-Awli, Riyadh: Dar al-Watan. [in Arabic]
- Al-Shanqiti, Mohammad Amin. (1994). "*Lights of Al-Bayan*", Beirut: Dar al-Fakr Lalprinta and Nasheer. [in Arabic]
- Al-Shokani, Muhammad bin Ali bin Muhammad. (Beta). "*Fath al-Qadir*", Bibai: Alam al-Katb. [in Arabic]
- Al-Sanaani, Abdul Razzaq. (1989). "*Tafseer al-Qur'an*", Dr. Mustafa Muslim Mohammad, Al-Awli, Riyadh: Al-Rashad School of Publishing and Al-Tawzi'ah. [in Arabic]
- Al-Tabari, Muhammad Bin Jarir. (1994). "*Jamae al-Bayan on Tawheel Ay Al-Qur'an*", Al-Sheikh Khalil Al-Mis, Sedqi Jamil Al-Attar, Beirut: Dar al-Fikr Lalprinta and Al-Nashr and Al-Tawzi'ah. [in Arabic]
- Abdurrahman bin Nasser al-Saadi, Abu Abdullah. (2000). "*Tisir al-Karim al-Rahman fi Kalam al-Manan*", Ibn Uthaymeen, Beirut: Al-Risalah Foundation. [in Arabic]
- Al-Ezz bin Abdul Salam, Abdul Aziz. (1995). "*Tafseer al-Ezz bin Abd al-Salaam*", Al-Doktor Abdullah bin Ibrahim al-Wahbi, Al-Awli, Beirut: Dar Ibn Hazm. [in Arabic]
- Al-Qurtubi, Muhammad bin Ahmad. (1984). "*Al-Jamae for the Ahkam of the Qur'an (Tafsir al-Qurtubi)*", Abu Ishaq Ibrahim Atifish, Beirut: Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi, Al-Tarikh Al-Arabi Foundation. [in Arabic]
- Al-Ma'ajm al-Wasit, Egypt: Al-Maarif Press.
- Al-Wahidi Al-Nisabouri, Ali Bin Ahmad. (2009). "*The Reasons for the Revelation of the Verses*", Cairo: Al-Halabi Foundation. [in Arabic]
- Al-Waqadi, Muhammad bin Umar bin Waqd. (1984). "*Al-Maghazi*", Dr. Marsden Jones, Islamic Press. [in Arabic]
- Al-Manjad Fi Al-Laghe and Al-Alam (1987), Beirut: Dar Al-Mashrekh, Edition Al-Hadiya and Al-Ashreen. [in Arabic]
- Al-Nahas, Abu Jaafar. (1988). "*Meanings of the Qur'an*", Al-Sheikh Muhammad Ali Al-Sabouni, Al-Awli, Al-Malmakah Al-Arabiya Al-Saudiya: Jamiat Umm Al-Qari. [in Arabic]
- Bojanvardi, Seyyed Mohammad. (1993). "*Jurisprudential Rules*", Tehran: Meiad Publishing House. [in Persian]
- Bahrani, Al-Said Hashim. (n.d). "*Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an*", Qom: Al-Ba'ath Foundation. [in Persian]
- Boroujerdi, Hossein. (1988). "*Collection of Ahadith Al-Shi'a*", Qom: Mehr. [in Persian]

- Ezza Droza, Mohammad. (2000). *"Al-Tafseer al-Hadith"*, al-Thaniyyah, Beirut: Dar al-Gharb al-Islami. [in Arabic]
- Haeri, Seyyed Kazem. (1986). *"The Principles of Fundamentals"*, a translation of the discussion of Al-Sayyid Mohammad Baqer Al-Sadr, Al-Awli, Qom: Al-Nashar Press, School of Islamic Education.
- Haeri Tehrani, Mirsayd Ali. (1958). *"Tafseer Muqtaniyat al-Darr"*, Mohammad Al-Akhundi, Tehran: Darul-e-Kitab al-Islamiyyah. [in Persian]
- Hawezi, Ali. (1991). *"Tafsir Noor al-Saqlain"*, Al-Saidhashim Al-Rasouli al-Muhlati, Al-Dahira, Qom: Ismailian Foundation for Printing and Publishing and Al-Tawzi'ah. [in Persian]
- Ibn al-Jawzi, Abd al-Rahman bin Ali. (1986). *"Zada al-Masir in the science of exegeisis"*, Muhammad bin Abd al-Rahman Abdallah, Abu Hajar al-Saeed bin Besiyuni Zaghoul, Al-Awli, Beirut: Dar al-Fikr for printing and publishing and al-Nashar and al-Tawzi. [in Arabic]
- Ibn al-Arabi, Muhammad bin Abdullah. (n.d). *"Ahkam al-Qur'an"*, Mohammad Abdul Qadir Atta, Lebanon: Dar al-Fikr for printing and publishing. [in Arabic]
- Ibn Kathir, Ismail bin Omar. (1991). *"Tafsir al-Qur'an al-Azeem (Tafsir Ibn Kathir)"*, Yusuf Abd al-Rahman al-Marashli, Beirut: Daral al-Marfa for printing and publishing and al-Tawzi'ah. [in Arabic]
- Ismailpour Shahrazai, Mohammad Ali. (n.d). *"Majeem al-Afkar and Matrah al-Nazar"*, recitations of discussion by Mirzashem al-Amli, bija. [in Arabic]
- Imam al-Askari (a.s.). (1988). *"Tafseer al-Imam al-Askari"* (Al-Mansoob), Al-Sayyid Muhammad Baqir al-Mohad al-Abtahi, al-Awali, Qom: Mehr, Madrasah al-Imam al-Mahdi (Aj). [in Arabic]
- Jazairi Morouj, Seyyed Mohammad Jaafar. (1993). *"Mantahi al-Daraiya"*, Al-Arah, Qom: Dar al-Katab (Al-Jazeari) publishing house for printing and publishing.
- Khalkhali, Seyed Morteza. (1997). *"The Harmful and Harmful Rule"*, Agha Zia's discussion, Al-Sayed Qasim Al-Hussaini Al-Jalali, Al-Awli, Qom: Office of Islamic Propaganda, Qom Seminary. [in Persian]
- Khomeini, Seyyed Ruhollah. (1993). *"Bada'e al-Darr Fi Qaa'd Nafi al-Darr"*, II, Qom: Organization for Editing and Publishing the Works of Imam Al-Khomeini (RA). [in Persian]
- (2006). *"The Messengers"*, Mojtaba al-Tahrani, Qom: Ismailian Foundation. [in Persian]
- Khansari, Musa bin Mohammad. (1997). *"Maniya al-Talib"*, a translation of Al-Naini's discussion, Al-Awli, Qom: Al-Nashar al-Islami Publishing House, affiliated to the Jama'at al-Madrasin of Qom al-Mushrafah. [in Persian]

- Laros (Al-Arabic Dictionary of Hadith) (1973), Laros School.
- Mazandarani, Mola Mohammad Saleh. (2000). *"Sharh Asul Al-Kafi"*, Al-Mirza Abu Al-Hassan Al-Sha'rani, Al-Sayed Ali Ashour, Al-Awli, Beirut: Dar Ihya Al-Trath Al-Arabi for Printing and Publishing and Al-Tawzi'ah.
- Mujahid bin Jabr, Abu Ahjaj. (n.d). *"Tafsir Mujahid"*, Abdul Rahman al-Tahir bin Muhammad al-Sorti, Islamabad: Islamic Research Council.
- Majlesi, Mohammad Bagher. (1982). *"Bihar al-Anwar"*, al-Thaniyeh, Beirut: Al-Wafa Institute. [in Arabic]
- (1985). *"Molath Al-Akhyar"*, Al-Said Mahdi Al-Rajai, Al-Sayed Mahmoud Al-Marashi, Al-Sayed Ahmad Al-Hussaini, Qom: Ayatollah Al-Marashi School. [in Arabic]
- Majlisi, Mohammad Taghi. (n.d). *"Rawdah al-Mutaqeen"*, Al-Sayyid Hossein Al-Mousavi Al-Kermani and Al-Sheikh Ali Panah Al-Ishtahardi, Haj Mohammad Hossein Kushanpur Islamic Culture Foundation.
- (1994). *"Lawa'am Sahib Al-Qarani"* (Sharh Al-Faqih, Farsi), Al-Awli, Qomak, Ismailian Publishing House.
- Mughniyeh, Mohammad Javad. (1979). *"Al-Tafseer al-Kashif"*, al-Arah, Beirut: Dar al-'Alam for the Muslims. [in Arabic]
- (1979). *"Al-Tafsir al-Mubin"*, al-Thaniyyah, Darul Kitab al-Islami Foundation.
- Muqatil bin Suleiman, Abul Hasan. (2003). *"Tafseer Muqatil bin Suleiman"*, Ahmad Farid, Al-Awli, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Makarem Shirazi, Nasser. (2003). *"Al-Qaaba al-Fiqhiyyah"*, Tehran: Sadr. [in Persian]
- Noori, Mirzahosein. (1987). *"Mustadrak al-Wasail"*, al-Thaniyyah, Beirut: Al-Al-Bayt Foundation for Revival of Tradition. [in Arabic]
- Qomi, Ali bin Ibrahim. (1983). *"Tafseer al-Qami"*, Al-Sayyid Tayyib Al-Mousavi al-Al-Jaziri, Al-Arah, Qom: Daral-e-Ktab for Printing and Publishing, Manuscripts of Al-Hadi School. [in Arabic]
- Rouhani, Seyyed Mohammad Sadiq. (1991). *"Zubda Al-Usul"*, Al-Awli, Qom: Madrasa al-Imam al-Sadiq. [in Persian]
- Sobhani, Jafar. (n.d). *"Tahdib Al-Usul"*, a version of al-Sayyid Palkhomini's discussion, Qom: Dar al-Fekr Publications. [in Persian]
- Sistani, Seyyed Ali. (1993). *"The Rule of Harm and Harm"*, Al-Awli, Qom: School of Ayatollah al-Azami al-Sayyid al-Sistani. [in Persian]
- (1389). *"The Harmless and Harmless Rule"*, Seyyed Ali Hosseini Sistani's essay, translated by Dr. Akbar Naibzadeh, first, Tehran: Khorsandi. [in Persian]
- Siyuti, Jalaluddin. (1995). *"Al-Itqan in the Sciences of the Qur'an"*, Saeed Al-Mandoub, Al-Awli, Lebanon: Dar al-Fikr.

واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در آیه «مسجد ضرار»: تقوایی و رضازاده مقدم | ۲۳۱

- and al-Mahli, Muhammad bin Ahmad. (n.d). *"Tafsir al-Jalalin"*, Marwan Sawar, Madhila in the book of Labab al-Nuqul fi Naazal al-Nuzul for al-Suyuti, Beirut: Daral al-Mareat for printing and publishing and al-Tawzi'ah. [in Arabic]
- (n.d). *"Al-Daral al-Manthor fi al-Tafsir al-Mathor"*, Beirut: Daral al-Ma'athar for printing and publishing.
- (n.d). *"Labab al-Nuqul"*, Ahmed Abd al-Shafi, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Shahroudi, Seyyed Mahmoud. (2005). *"Researches in the science of al-usul"*, the presentation of the discussion of Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr, the third edition, the Foundation of Islamic Jurisprudence Encyclopaedia according to the Ahl al-Bayt (AS).
- Tabatabaei, Mohammad Hossein. (1981). *"Tafseer al-Mizan"*, Qom: Al-Nashar al-Islami Foundation of the Jamaat al-Madrasin. [in Persian]
- Tabarsi, Fazl bin Hasan. (1994). *Al-Bayan Assembly*, Al-Awli, Beirut: Al-Alami Institute for the Press. [in Arabic]
- Tantawi, Seyyed Mohammad. (n.d). *"Al-Tafsir Al-Wasit Lal-Qur'an Al-Karim"*, without place.
- Tusi, Muhammad bin Hassan (1988). *"Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an"*, research and proofreading: Ahmad Habib Qusayr al-Alami, al-Awli, Maktaba l'Illam al-Islami. [in Arabic]

استناد به این مقاله: تقوایی، عباس، رضازاده مقدم، حسن. (۱۴۰۰). واکاوی نوع ضرر (ضرر اعتقادی) در مسجد ضرار در آیه ۱۰۶ سوره توبه، دو فصلنامه علمی سراج منیر، ۱۲(۴۲)، ۲۰۵-۲۳۱.

DOI: 10.22054/ajsm.2022.61881.1714



Seraje Monir is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

